



مجموعه جزوات
موضوع اربعین

انسان دوباره اربعین حیات

استاد موسویان

[@sabbar_ir](https://twitter.com/sabbar_ir)

sabbar.ir

۱. همت حقیقی انسان وقتی است که تفسیر دقیقی از بودن خود در این عالم داشته باشد. کسی که بودن خود را در این عالم و عهد خود را فراموش کند، دیگر مقصدی نمی شناسد تا در نظر به آن خود و تاریخ خود را اصلاح کند. فرهنگ اربعین به ما می آموزد چگونه بر عهد الهی خود پایدار بمانیم و با نظر به امام حسین علیه السلام طلب اصلاح جامعه را داشته باشیم. تعهد با ابا عبدالله علیه السلام در واقع تعهد با خداست، تعهدی که در «عهد الّست» با خدا بسته ایم. آری:

عهد من با لب شیرین دهنان بست خدای ماهمه بنده و این قوم خداوندانند

۲. اربعین طلوع سنت خدا برای گشایش تاریخی ماست. آنان که در ظلمتکده غرب خود را اسیر می بینند و می دانند این سیطره و سلطنت بر عقل ها، نمی گذارد عالی ترین بودن را برای انسان به صحنه بیاید، مداوم دنبال راهی برای برون رفت از فکر و سبک زندگی غربی می گردند، این سنت الهی را قدر می دانند. آری تذکر به این سنت خداست که روح یأس و ناامیدی از جامعه دینی به کلی پر می کشد و عزمی جدید برای ساختن تاریخی نورانی در صحنه زندگی بشری طلوع می کند.

۳. همیشه حادثه های عظیم الهی که جلوه وحی حق به تاریخ بشریست یا به قول اندیشمندان طلوع اسمی از اسماء حق است، دارای وجوهی است که مانند قرآن به میزان ظرفیت افراد، بطنی و طلوع دیگری بر قلب سالکان دارد. پدیده ای مانند انقلاب اسلامی که اشراق خدا بر قلب امام و تاریخ ماست هر روز شانی جدید دارد. اربعین هم دارای وجوهی است که زبان و واژه های متناسب با آن به صحنه نیامده، ولی عزمی در هر سال برای معنا شدن آن طلوع می کند، که می طلبد همه نسبت به آن حساس باشند.

تو را چنان که تویی هر نظر کجا بیند

به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک

۴. آنچه برای زاویه دید به حادثه هایی همچون اربعین نیاز داریم، نگاه کلان و ظرفیت اجتماعی و تمدنی است، تا علاوه بر استفاده از ظرفیت های فردی اربعین، بتوانیم بستر تمدن نوین اسلامی را با توجه به این رویداد عظیم تاریخی ترسیم کنیم. مقام معظم رهبری در جمع خبرگان رهبری

می فرمایند: « باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم؛ این نگاه کلان، به ما معرفت و بصیرتی را عطا میکند که اولاً موقعیت خودمان را، جایگاه خودمان را، ایستگاه خودمان را در وضع کنونی بازیابی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم؛ بعد هم به ما تعلیم میدهد که برای آینده چه باید بکنیم. در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته‌ی اساسی برخورد میکند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است؛ این را انسان میفهمد و مشاهده میکند.»^۱

۵. ملت‌ها در این تاریخ در حال بازخوانی و تجدید نظر نسبت به رجوعشان به فرهنگ مدرنیته‌اند، فرهنگی که به عالم و آدم نگاه سکولاریته دارد. در چنین شرایطی «اربعین» یک تذکر تاریخی به همه‌ی ملت‌ها است تا در این شرایط، نسبت خود را با خداوند و مسیر انبیای الهی شکل دهند.^۲

۶. راز بالندگی احساس عاشورایی در اربعین این است که یک احساس فردی نیست، بلکه احساسی است اجتماعی و موجب تقابل با استکبار می‌گردد. زیرا نظر به واقعیتی است که در عالم واقع شده و می‌تواند به بهترین شکل مناسبات انسانی را به سوی جامعه‌ای معنوی و عدالت‌محور مدیریت کند.

۷. امروز که اکثر فلاسفه و اندیشمندان اسلامی و غربی یک صدا می‌گویند: تمدن غرب به نهایت خود رسیده و در دوران انحطاط خود به سر می‌برد، عاقلانه‌ترین کار نظر انداختن به تمدن نوین اسلامی است، تا همه کارها و فکرها را از بی تاریخی نجات دهیم. آری اربعین آن طلوعی است، تا آنان که عزم برون رفت از تمدن غرب را دارند با شاخصه‌های آن بستر ظهور نهایی‌ترین دین را فراهم نمایند، که خداوند فرمود: « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ »^۳

۸. باید توجه داشته باشیم به علت زیر ساخت‌های فرهنگی کشور امروز ما تقابل تمدنی با غرب داریم، ولی در زمین غرب زندگی می‌کنیم. باید آرام‌آرام به جایی برسیم که، به واسطه حرکت‌هایی مثل اربعین در زمینی که خودمان برای تمدن آینده داریم وارد شویم و حرکت کنیم.

^۱ بیانات رهبری ۱۳۹۳/۶/۱۳

^۲ کتاب اربعین حسینی - استاد طاهرزاده ص ۲۹

^۳ سوره توبه آیه ۳۳

شاخصه های تمدن نوین اسلامی که مدت ها اندیشمندان ما، به آن ها تذکر داده بودند در حرکت اربعین ظهور کرده و توجه به این شاخصه ها برای کسانی که به فکر نظام سازی هستند بسیار کار گشااست. شاخصه هایی مانند: کیفیت بجای کمیت گرایی، فرهنگ تآنی بجای عجله و شتاب، حصول بجای حضور، توحید عینی بجای توحید ذهنی و سوژکتیویته، ایثار بجای خودخواهی، جمع گرایی بجای فرد گرایی، فرهنگ نگاه کلان و جهانی بجای نگاه جزیره ای و قبیله ای و....

۹. لازمه حیات اجتماعی پرهیز از تفرقه و ایجاد وحدت اسلامی است، تا در سایه سار اجتماع مومنین تاریخی جدید را رقم بزنیم. که این امر جز به ایثار و مقدم کردن دیگران بر خود محقق نمی شود. اری اربعین در عشق امام حسین علیه السلام نمایش ایثاری عظیمی است که، فقط خاطراتش را از جبهه و دفاع مقدس شنیده بودیم.

۱۰. اسلام یک دین اجتماعی است و اجتماع بر پایه خانواده استوار است. نگاه دقیق به اربعین و نظر به حرکات و سکنات خادمان و زائران بستر عظیمی برای تفکر نسبت به جایگاه زن و خانواده اسلامی و نقش تربیت محب امام خواهد بود.

امید است با این متن های نوشتاری فرصتی برای معنا بخشی به این حرکت عظیم مردمی فراهم آید و ان شاء الله بتواند بستری برای تفکر دقیق تر و حساسیت دوستان نسبت به اربعین حسینی ایجاد نماید.

موسویان

اربعین ۱۴۳۸ - ۱۳۹۵

اربعین و گفتگو از وحی الهی

۱. ما باید متوجه روحی باشیم که به اراده‌ی الهی در زمانه‌ی ما در حال جاری شدن است و حرکات و سکنات مردم از آن خبر می‌دهد، تا بتوانیم تأثیرگذار باشیم. همه‌چیز خبر از آن می‌دهد که دوره‌ی بی‌دینی گذشته است و تاریخ آینده را دین‌داران شکل می‌دهند ولی نه با قرائت روشنفکری غربی، بلکه با قرائت انبیاء که نظر به مردم دارند. باید بفهمیم دست و دل مردم در اربعین‌ها به چه تاریخی اشاره دارد تا گرفتار بی‌تاریخی نباشیم.

۲. قرآن به رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل/۴۴) ای پیامبر! ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا آن‌چه بر مردم نازل شده است را تبیین کنی. یا در سوره‌ی آل‌عمران می‌فرماید: ای پیغمبر! بگو؛ «آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا» (آل‌عمران/۸۴) ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده ایمان آوردیم. نمی‌گویند به آنچه بر من نازل شد ایمان آوردم.

۳. خداوند در آیه‌ی ۵۲ سوره‌ی آل‌عمران می‌فرماید: «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ تا این‌جا خبر از سخنانی است که بین حضرت عیسی عليه السلام و حواریون انجام شده، ولی در آیه‌ی ۱۱۱ سوره‌ی مائده می‌فرماید: «وَ إِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ». ملاحظه کنید چگونه خداوند در آن تاریخ برای دگرگونی حاکمیت بنی‌اسرائیل نه تنها به حضرت عیسی عليه السلام وحی می‌کند، بلکه به یاران حضرت نیز یک‌نوع وحی می‌شود تا شعور لازم جهت فهم اراده‌ی الهی در آن تاریخ را در خود حس کنند و با حضرت عیسی عليه السلام یک‌نوع همسخنی جهت ظهور تاریخی جدید داشته باشند.^۱

۴. بزرگان فکر و اندیشه با نظر به آیات فوق متذکر می‌شوند: تحولات تاریخی ابتدا در دل‌ها رخ می‌دهد و از این جهت دل‌ها دگرگون و خواستن‌ها عوض می‌شود زیرا دل‌ها متأثر از اراده‌ی خاص حضرت حق در دوران خود می‌باشند و وظیفه‌ی اندیشمندان، که آن‌ها نیز از تجلیات

اراده‌ی الهی متأثرند، متذکر کردن انسان‌ها است در راستای اراده‌ی الهی، تا سستی و تنبلی و امیال نفس اماره، مردمان را از تجلیات الهی محروم نکند.

۵. نباید حرکتی را که در این تاریخ در اربعین ظهور کرده است با یک نگاه محدود تعریف کرد و در همین رابطه باید گفت؛ این حرکت در عین آن که یک حرکت خودجوش اجتماعی است، حرکتی است که خداوند آن را بر قلب مردم اشراق نموده و هر کس به اندازه‌ای که بخواهد در این تاریخ، خود را با اراده‌ی الهی تطبیق دهد در ذیل آن قرار می‌گیرد.

۶. وحی و اشراق الهی یک حقیقت همه جانبه و کامل است که عقل جزء نگر نمی‌تواند عظمت آن را بیابد. درک وحی انسان‌های ذو ابعاد طلب می‌کند. وحی یک امر وجودی است که هر کس از ساحت خود به آن نظر می‌کند و بُعدی از آن را می‌یابد. به همین جهت وحی دارای بطونی است که تا قیامت با توجه به ظرفیت و وسعت افراد بطنی را برای منتظر کشف آن، می‌گشاید.

۷. اندیشه اندیشمندان به هر زبانی، نظر به آن حقیقت دارد؛ و بُعدی از ابعاد پنهان آن حقیقت را بیان می‌کند. فرقی نمی‌کند چه کسی باشد، مومن یا غیر مومن؛ به همین جهت امام علی علیه السلام فرمودند: **خُذِ الْحِكْمَةَ أَنَّى كَانَتْ؛ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُنَافِقِ فَتَلْجَلُجُ فِي صَدْرِهِ حَتَّى تَخْرُجَ، فَتَسْكُنَ إِلَى صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ.** حکمت را هر کجا باشد فرا گیرید؛ زیرا حکمت در سینه منافق می‌باشد، و پیوسته ناآرام است تا از آن جا خارج شده در سینه مؤمن، در کنار همراهان خود آرام گیرد.

۸. هر کسی مجلی فیضی خاص در عالم هستی است (الطرق الى الله بعدد انفاس الخلائق) و لذا کافست با چشم و نظر به وحی به حرکت‌هایی مثل اربعین توجه کنیم تا در بستر گفتگو و مباحثه مومنین حقیقت‌هایی مُتجلی شود و ابعادی ظهور کند، که عقل‌ها جزء نگر در نظر به آن متحیر می‌مانند.

۹. آزاد اندیشی غیر از مناظره است بلکه آزاد اندیشی نظر به ابعاد مغفول مانده از حقیقت است. کافی است فکر و اندیشه خود را نهایت مسئله ندانیم و منتظر باشیم تا فرج و گشودگی^۱ محقق شود، زیرا فرمودند: **انتظار الفرغ من الفرغ** همین که انتظار گشایش داشته باشی گشایش ایجاد

^۱ جناب حافظ: خیز تا از در میخانه گشادی طلبیم به ره دوست نشینم و مرادی طلبیم

می شود. آری در گفتگوی مومنین و تبادل اندیشه های جریان های خود جوش مردمی، آن چنان معارفی به آنها در تاریخشان الهام می شود که مطمئناً به آن ابعاد از حقیقت اربعین نظر نداشته اند. ۱۰. تنها انسانهایی که نظر به جمع دارند و مافوق نگاه مدرن زده، خود را از انحصار طلبی بیرون نگه داشته اند می توانند با روحیه ایثار حقایقی را کشف کنند و به جامعه خبر دهند که؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به علماء امت خود فرمودند: افضل من انبياء بنی اسرائیل اند. آری حقیقت در جماعت است که ملائکه الهی از نظر به اسم الله عاجزند و از حساب آن قاصر. **وَ الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ**^۱.

۱۱. کسانی که به دنبال رسیدن به عالی ترین راه اتصال به حق از طریق دین اسلام هستند، می دانند: وقتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: **حسین منی و انا من حسین** نمایش کامل دین داری را در نظر به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام باید جستجو کنند. آری اربعین بستری و گشایشی برای نظر انداختن به تنهاترین مسیر است. هر کسی در اربعین موظف است تا بستر نظام دینی را در نظر به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و حرکت اربعین حسینی پیگیری کند و به حقایق آن حساس باشد.

۱۲. بدون درک زمانه، هیچ قدمی به سوی آینده ی خود نمی توان برداشت و رخداد اربعین در این تاریخ، زمانی است که می توانیم با قرار گرفتن در آن، سرنوشت خود را از بند غرب آزاد کنیم و تاریخ پایان یافتگی غرب را نشان دهیم که این همان تاریخ سست شدن عهد انسان با سکولاریته و اقامه ی رابطه ی انسان با خداست.

۱۳. ما همان طور که در سنن الهی قرار داریم، اگر از حضور خود در آن سنن آگاه شویم راه آینده نسبت به آن سنن در مقابل ما گشوده می شود. به همین معنا ما در تاریخی هستیم که اربعین به صورتی خاص ظهور کرده که اگر از حضور خود در این رخداد آگاه شویم، راه آینده ی تاریخ ما در مقابل ما گشوده خواهد شد و دیگر در توهمات بشر غرب زده قدم نخواهیم زد. جریانی که با اربعین شروع شده طوری است که زمینه ساز حضور شیعه در معادلات جهانی می شود و تا تحقق تمدن اسلامی و عبور از فرهنگ استکباری توان پیشرفت دارد.

اربعین: حال مرغی رهیده از دام بن بست تاریخی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَتَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرِ أُمِّ عَلَى يُسْرٍ^۱

عمر و بن جمیع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و آن را دوست داشته باشد و با وی هم آغوش شود، چنان در آن غرق گردد که مشکلات و آسانی دنیا را نفهمد.

۱. آنکه مشتاق بندگی است می داند عالی ترین وجه بندگی وقتی به صحنه می آید که اسم الله در تاریخ ظهور کند تا همه مردم در کنار هم با نظر به یدالله مع الجماعة ندای مستی توحیدی سر داده؛ حق را در همه عالم مشاهده و با او معاشقه کنند. آری تاریخ بی خدایی به پایان رسیده و بشری در صحنه عالم ظهور کرده که به قول آوینی: اینان طلیعه داران توبه بشریتند

شد آنکه، اهل نظر بر کناره می رفتند هزار گونه سخن بر دهان و لب خاموش

۲. آری اگر اسم الله در تاریخی ظهور کند یک شبه راه صدساله طی می شود و عارفانی که اسمی پس از اسمی بر قلب آنان طلوع می کرد، به یکباره همه را سالکانی می بینند که همه عمر آنان را در کوتاهترین زمان یافته اند.

صد ملک دل به نیم نظر می توان خرید خوبان در این معامله تقصیر می کنند

۳. برای برون رفت از تزویر و نفاق طرحی مافوق عقل های مدرن زده می طلبد تا حقیقت را از طریقی دیگر غیر از راههای مرسوم زمانه پیدا نمود.

عقل گوید شش جهت حد است و دیگر راه نیست عشق گوید راه هست و رفته ایم ما بارها

۴. عاشق حق شدن صورت می خواهد و سالک می داند برای رهایی از خدای ذهنی و انتزاعی باید حق را در در آینه مومنین ببیند تا نظر به عالی ترین مرحله و نهایت مقصد انسانی است داشته باشد. آری «المومن مرآة المومن» مومن آینه ی مومن است .

عاشق شو ورنه روزی کار جهان سر آید ناخوانده درس مقصود در کارگاه هستی

۵. عاشق همه وجود خود را در پای محبوب فدا می کند تا شایستگی نیل به ولایت و امانت الهی یابد. فدای محبوب شدن صورتش در فدای مومنین شدن است. خضوع و فروتنی نسبت به مومن فروتنی نسبت به خداست. گویا خدا نظر به انسانهایی در آخرالزمان دارد که فرمود: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ»^۱ آری آن کس می تواند بار امانت به عهده گیرد که ظلوم جهول گردد.^۲ ظلوم است یعنی از همه محدودیت ها، قومیت ها، رنگ ها، نژاد ها و... آزاد شود و جهول است، یعنی دیگر خودی نبیند تا بتواند در فنا نسبت به زائر حسین علیه السلام نظر به «على الارواح التي حلت به فنائك» بیندازند.

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند

۶. کدام راه است که انسان مفتون شده مدرن را بتواند از نگاه مادی زده، به افقی بیندازد که از هرچه رنگ کثرت و محدودیت است، از هر چه شهوت و شهوت زدگی است، از هرچه غیر دوست است آزاد کند. آری تنها عاشقی به ولی خداست که می تواند ما را از خربار خربار گناه بیرون کشد، و ما این را بارها در ارادت به امام حسین علیه السلام آزموده ایم. خیل عاشقان حسینی در محرم و جدایی از زندگی گناه آلوده گذشته، خود نظر به ظرفیتی عظیم و عزمی دیگر برای برون رفت از ظلمتکده و شهوتخانه ی غرب است . مولوی (دیوان شمس)

همه نقدها شمردی به وکیل در سپردی بشنو از این محاسب عدد و شمار دیگر

تو بسی سمن بران را، به کنار در گرفتی نفسی کنار بگشا بنگر کنار دیگر

^۱ سوره مائده آیه ۵۴

^۲ سوره احزاب آیه ۷۲

خنک آن قماربازی که بباخت هرچه بودش و نماند هیچش الا هوس قمار دیگر

همه عمر خوار باشد چو بر دو یار باشد هله تا تو رونیاری، سوی پشت دار دیگر

۷. خروج از بن بست تاریخی نیاز به صورت عینی و الگوی حقیقی داشت، و با طلوع اربعین در مقابل انقلاب اسلامی خبر از تاریخ زندگی دوباره انسان می دهد. آری اربعین حال کسانی است که عزم خروج از زندان عقل های حس زده را دارند و می خواهند با نظر به عاشورا و یاران شیدائی حسین علیه السلام تاریخ خود را بار دیگر بسرایند. آری اربعین نظر به مرغان رهیده از دام است.

حال زندانی این دام بسی بشنیدیم حال مرغی که رهیده است از این دام بگو

۸. تنها آنهایی که شوق پرواز دارند و آب و دانه قفس مادی زده غرب را نمی خواهند مرگ طوطی هندوستان را تنها راه برون رفت از قفس و حصار مادی زدگی می دانند. حسین علیه السلام سخنرانی نکرد و راه خروج را تیر کتبی نمود بلکه با عمل خود و فنای خود راه رهایی را نشان داد، تا ماوراء تنگنا های تاریخی، فردایی نورانی را برای بشریت ترسیم نمود. و چه خوش گفت سید شهیدان اهل قلم: کربلا نه یک زمین، بلکه افقی به وسعت تاریخ است. آری سر بر سر نی هویدا می شود.

حلاج بر سر دار این نکته خوش سُراید با شافعی مگوئید امثال این مسائل

۹. آری حقیقت در عین آنکه ظاهراست، باطن است و هرتاریخ با شانی جدید تجلی می کند و نوایی تازه سر میدهد تا اسرار مگوی خویش را در پرده اربعینی دیگر بر اهل خود بگشاید. آری آیه های قرآن عینی اربعین حسنی را دوباره با تدبیر نو باید خواند تا بطنی دیگر از خود به نمایش بگذارد. پس

مطرب خوش نوا بگو تازه به تازه نو به نو باده دلگشا بجو تازه به تازه نو به نو

شاهد دل ربای من می کند از برای من نقش و نگار و رنگ و بو، تازه به تازه نو به نو

۱۰. کافیت طریق گذر از بن بست های زمانه را در اربعین بنگری، تا دل در شور و جاذبه اربعین حسینی راه نجات از ظلمات را پیدا و شیشه عمر دجال زمانه را بشکند. آری تاریخ، تاریخ درخواست همتی از اوست برای برون رفت از ظلمات آخرالزمان. و عجیب است آنان که ظلمت

کفر آباد امروز را حس نمی کنند^۱ نمی توانند ندای «هل من ناصر» حسین را ماوراء زندگی متجددانه لیبک گویند.

همت پیرمغان و نفس رندان بود که ز بند غم ایام نجاتم دادند
از آن زمان که فتنه چشمت به من رسید ایمن ز شر فتنه آخر زمان شدم

۱۱. اربعین عهدیست (با لب شیرین دهنانی)^۲ که شیعه هر سال در این طریق تکرار می کند تا زبان طفل قلبش را بگشاید و تصدیق کند که: عشق در بلاست و راهی جز درگیری با ظلمات زمان برای برون رفت وجود ندارد.

روندگان حقیقت ره بلا سپرند رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز
به نیم بوسه دعائی بخر ز اهل دلی که کید دشمنت از جان و جسمت دارد باز

۱۲. انقلاب اسلامی؛ حماسه نظر به اربعینی است که یاران شیدای روح الله وقتی نسیم فنای «فی الله» در غرش گلوله‌ی خمپاره‌ها وزیدن می گیرد، به جای آن که به سنگر خانقاه پناه برند تا از هر گزند احتمالی مصون بمانند، پیراهن خود را در می آورند و با سینه‌ی برهنه در میدان جنگ قهقهه‌ی مستانه می زنند.

برو ای طبیبم از سر که خبر ز سر ندارم به خدا رها کنم جان که زجان خبر ندارم
به عیادتم قدم نه که زیخودی شوم به می ناب نوش و هم ده که غم دگر ندارم
غم ار خوری از این پس نکنم زغم خوری بس نظری به جز تو با کس به کسی دگر ندارم
ز زرت کنند زیور به زرت کشند در بر من بینوای مضطر چه کنم که زر ندارم
دگرم مگو که خواهم که ز درگهت برانم تو بر این و من بر آنم که دل از تو بر ندارم
به من ار چه می پرستم مدهید می که مستم مبرید دل ز دستم که دل دگر ندارم

^۱ سوره آل عمران آیه ۵۲: فلما احس عیسی منہم الکفر...

^۲ عهد من با لب شیرین دهنان بست خدا ما همه بنده و این قوم خداوندانند

اربعین و شناخت ظرفیت عظیم مردم

۱. اسلام یک دین کاملاً اجتماعی است و قدرت نهایی اسلام در وحدت کلمه و شکل‌گیری امت واحد است. لذا در اسلام گوشه‌گیری و رهبانیت ممنوع می‌شود و در مقابل اجتماع مردمی برای جهاد به صحنه می‌آید.

۲. آیات مختلف قرآن نشان از یک عزم اجتماعی برای برون‌رفت از مشکلات نیاز است خداوند می‌فرماید: **أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ** مؤمنان باید همگی به قلعه مستحکم اتحاد، انقیاد، طاعت و مسالمت درآیند تا از آسیبهای بسیاری در امان باشند. حال که وحدت مؤمنان، خواست مؤکد خدای سبحان و رمز پیروزی است، پس تفرقه خواست دشمن آشکار انسان و اختلاف افکنی، پیروی از گامهای شیطان است. منظور از «سَلَام» در این آیه، صلح و سازش و اتحاد و برادری در درون حوزه اسلامی است؛ نه دعوت به اسلام؛ چون آیه خطاب به مؤمنان است و آنان را در محدوده داخلی ایمان و اسلام به انقیاد و اتحاد همگانی فرا می‌خواند و از تفرقه باز می‌دارد توجه به آیات مختلف ما را بر مسئله جمع و امت اسلامی داشتن حساس می‌نماید مثلاً فرمود: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**^۲ یا فرمود: **وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ**^۳ و یا فرمود: **وَأَنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ**^۴ یا در جای دیگر فرمود: **تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**^۵

۳. عظمت و ابهت اسلامی وقتی به صحنه می‌آید که اجتماع اسلامی شکل بگیرد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «من بارها عرض کرده‌ام که عمده قدرت ابرقدرتها، متکی به هیبتشان است؛ هیبت آنهاست که میتواند کار کند. اینها همه جا که وارد میدان نمیشوند، تیر و تفنگ که به کار نمیبزنند؛ تشر

^۱ سوره بقره آیه ۲۰۸

^۲ سوره آل عمران آیه ۱۰۳

^۳ سوره حجر، آیه ۹۱

^۴ سوره انعام آیه ۱۵۳

^۵ سوره مبارکه نور - آیه ۳۱

و هیبتشان است که رؤسای دولتها و رؤسای احزاب سیاسی دنیا را وادار میکند که دست و پایشان در مقابل اینها بلرزد و کوتاه بیایند^۱. امام خمینی^۲ در این باره می فرماید: «اسلام آمده تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند، تا کسانی که می خواهند سلطه‌ای بر این دولتهای اسلامی و یا مراکز اسلامی پیدا کنند، بواسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه هستند، نتوانند. نقشه قدرتهای بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که: این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است و مؤمنان را به نام اخوت یاد فرموده است، از هم جدا کنند و به اسم: ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس، از هم جدا، بلکه با هم دشمن کنند. و این، درست برخلاف مسیر اسلام و مسیر قرآن کریم است. تمام مسلمین با هم برادر و برابرند و هیچ یک از آنها از یکدیگر جدا نیستند. همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند. اینهایی که با اسم ملیت و گروه گرایی، ملی گرایی، بین مسلمین تفرقه می اندازند، لشگرهای شیطان و کمک کنندگان به قدرتهای بزرگ و مخالفین قرآن کریم هستند»^۳ یا در جای دیگر می فرماید: «باید با قوای کفر به قدرت اسلامی مبارزه کنیم و دست تبه‌کاران را از ممالک خودمان دور کنیم. اگر وحدت کلمه‌ی اسلامی بود و اگر دولتها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرت‌ها باشد. اگر این قدرت، قدرت بزرگ الهی مُنْصَم بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند، هیچ قدرتی بر آنها غلبه نخواهد کرد»^۳

۴. شناخت ظرفیت مردم در ایجاد حرکت‌های عظیم و تمدن اسلامی مسأله‌ای است که غالب اندیشمندان سیاسی و فرهنگی از غافل هستند. نعمتی که حتی برای خود ما نیز قدرش ناشناخته است و هنوز به عظمت این لطف الهی واقف نشده ایم و ارزش آن را نمی دانیم، و از سوی دیگر همین نشناختن ارزش نعمت، خطر بزرگی است. مقام معظم رهبری می فرمودند: «امام در سال ۱۳۴۱ در همین شهر قم، آن وقتی که هنوز هیچ خبری از این اجتماعات عظیم نبود، در همین مسجد اعظم گفت اگر ما به مردم فراخوان بدهیم، این صحرای قم را از جمعیت پر میکنند؛ لبیک میگویند. نگاه او به مردم، یک چنین نگاهی بود؛ مردم را شناخت. آن عنصر با ارزش اکسیرگونه‌ای که مسها را

^۱ بیانات رهبری در نماز جمعه ۷۶/۱۰/۲۶

^۲ امام خمینی، صحیفه نور ج ۱۲، ص ۱۲۲

^۳ همان، ص ۱۸ و ۱۹

طلا میکند، این را در جان و دل مردم کشف کرد و آن را به کار گرفت. لذا با این موانع بزرگی که در سر راه وجود داشت، انقلاب پیروز شد. هیچ تحلیلی باور نمی‌کرد که این اتفاق در اینجا بیفتد. او تکیه‌ی به خدا کرد، توکل به خدا کرد، وارد عمل شد، با دل مردم تماس برقرار کرد و مردم به صحنه آمدند و این حرکت عظیم اتفاق افتاد؛ بعد هم مسئله‌ی بسیج را مطرح کرد.^۱

۵. اجتماع شکوه‌مند مسلمانان در همایش بزرگ حج، افزون بر پاس داشت عبادتی توحیدی و برافراشتن پرچم دین‌داری در جهان، نمایش قدرتمند ابته‌ امت اسلام است. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «حج، ذخیره‌ای بزرگ برای دنیای اسلام است و استفاده صحیح از آن می‌تواند منافع لازم و حیاتی امت اسلام را تأمین کند. تعیین ایامی خاص برای برگزاری مراسم حج، با این هدف مهم صورت گرفته است که مسلمانان اقصی نقاط جهان بتوانند با استفاده از این فرصت استثنایی با یکدیگر تماس و ارتباط برقرار کنند و با هم‌فکری و تبادل نظر، راه علاج مسائل و مشکلات خود را بیابند.» «امت، این بدنه‌ی مردم است. برکات و خیرات در این بدنه‌ی عظیم است و اراده‌ی آنهاست که میتواند کوه‌ها را جابه‌جا کند؛ حرکت آنهاست که میتواند ارزشهای اسلامی را جهانگیر و همه‌گیر بکند. این در اختیار شماست. در حج هر سالی، انسان حاج با انبوه عظیمی از این بدنه‌ی با عظمت امت اسلامی و دنیای اسلام مواجه میشود. این را باید مغتنم شمرد. این فرصت است و باید مغتنم شمرد.»^۲

۶. خداوند می‌فرماید: ذَلِكْ وَ مَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ^۳ هر کس که احترام شعائر الهی را حفظ کند و آنها را بزرگ بدارد این عمل او از تقوای قلبش نشأت می‌گیرد. شعائر عبارت است از نشانه‌هایی که انسان را به سوی خدا راهنمایی می‌کند و منحصر به صفا و مروه و مانند آن نمی‌شود. بنابراین هر نشانه‌ای که انسان را به یاد خدا بیندازد تعظیم آن موجب تقوای الهی می‌گردد و تمام نشانه‌ها را در بر می‌گیرد.^۴ آن کس که این اجتماع مردمی که خود از شعائر الهی است را تعظیم نکند، مطمئناً بی‌نتیجه و ثمر خواهد بود چون ارزش هر کسی به قلبش است

^۱ ۰۲/۰۸/۱۳۸۹

^۲ ۰۴/۰۸/۱۳۸۸ بیانات در دیدار کارگزاران و دست‌اندرکاران حج

^۳ سوره حج آیه ۳۲

^۴ تفسیر المیزان ج ۱، ص ۴۱۴، ذیل آیه ۱۶۵ سوره بقره

۷. اکثر اندیشمندان غربی و نظریه پردازان بر این باورند تمدن غرب به نهایت خود نزدیک شده است و تنها جریان و فکری که می تواند آنها را کنار بزند اسلام است؛ و آن هم جریانی که با گستره خود در تمام جهان می تواند بستر تحقق تمدنی اسلامی در مقابل با غرب باشد. از طرفی مسلمانان وقتی می تواند تمدنی را تحقق ببخشند که وحدت در بین آنان ایجاد شود. تمدن غرب با شناخت این وجه از اسلام، تمام تلاش خود را می نماید که، اولاً: اندیشه حاکمیت بر اجتماع را در مسلمانان به واسطه روشنفکران غرب گرا کم رنگ و بر شعار « دین از سیاست جداست » تاکید کنند. و ثانیاً: با ایجاد تفرقه و گروه های متعدد در گرایشات مختلف اسلامی نگذارد امت واحده اسلامی شکل بگیرد. تمام حوادث منطقه و نزاع های مسلمانان جهت محقق نشدن تمدن اسلامی است. همه عزم یک تمدن با همه اختلاف نظرهایشان جلوگیری از شیوع مدل انقلاب اسلامی در منطقه و جهان است. آنان با نفوذ در جریان حاکمه عربستان سعی می کنند اجتماع عظیم حج را کم رنگ تر و بی فروغ نمایند.

۸. گویا این ترس و واهمه امروز تمدن غرب در زمان رسالت پیامبر ﷺ نیز وجود داشته، آنجا که خداوند می فرماید « لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُونَكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ »^۱ عبادت هیچ امتی به امت دیگر منتقل نمی شده چون خداوند با هر شریعت، شرایع قبلی را نسخ می کرد و بهتر از آن را می آورد، پس دیگر معنا ندارد که شما با پیغمبر ﷺ نزاع کنید که چرا طریقه عبادت شبیه به طریقه سابقین نیست. لذا در ادامه می فرماید: « انك لعلی هدی مستقیم » یعنی تو در مسیر مستقیم هدایت الهی هستی. گویا فرموده: ناراحت مشو و اعتنایی به منازعت آنان مکن، تو به آنچه مأمور شده ای - یعنی به دعوت به سوی پروردگارت - پرداز.

۹. « امانت » معنی وسیعی دارد و هر گونه سرمایه مادی و معنوی را شامل می شود و هر مسلمانی طبق صریح آیات قرآن وظیفه دارد که در هیچ امانتی نسبت به هیچ کس خیانت نکند. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...^۲ همانا خدا شما را امر می کند که امانتها را به اهلش بر گردانید. خدا موضوع امانت و امانتداری را تا آن جا بزرگ و پراهمیت شمرده است که به

^۱ همان آیه ۶۷

^۲ سوره نساء آیه ۵۸

خیانتکاران این گونه هشدار می دهد: «یعلم خائنة الاعین...» خدا نگاه های خائنه و دزدانه را می داند و از آنها آگاه است. حج و اجتماع عظیم مردم امانتی است که خداوند برای نمایش ابهت اسلام و استقرار حکومت صالحان قرار داده تا به واسطه آن بتوانند امت واحده اسلامی را پایه گذاری کنند. حال اگر گروهی مزدور، حق این امانت را رعایت نکردند، خداوند این امانت را به اهلش می سپارد. **وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ**^۱ اگر شما روی بگردانید خداوند به جای شما قومی دیگر قرار می دهد و آنها را موفق به ایمان می کند در حالیکه آنها مثل شما نیستند (بلکه بسی از شما بهتر و فداکارترند)

۱۰. آری برنامه می ریزند تا اجتماع مردمی در اسلام شکل نگیرد و هر روز با برنامه های مختلف بین مسلمانان تفرقه ایجاد می کنند؛ ظرفیت های عظیم الهی همچون حج را با عده ای دست نشانده از وحدت خارج می کنند تا شاید رفتن خود را به عقب بیندازند، حال آنکه خدا خداوند است که تقدیرات عالم را رقم می زند و او بر همه برنامه ها و نقشه ها غالب است. **مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ**^۲ آری خدا بنا دارد، تقدیر تاریخ ما را با اربعین رقم بزند تا همه برنامه ها، و مکر مکاران و نظریه پردازان با شکست روبرو شود. **يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ**^۳ ای مردم مثلی زده شده گوش بدان دارید: آن کسانی که به غیر از خدا می خوانید هرگز نمی تواند مگسی خلق کنند هر چند که همه نیرو هایشان را جمع و با هم همکاری کنند. و اگر مگسی چیزی از آنها برآید نمی توانند از او باز بستانند، **طالب و مطلوب هر دو ناتوانند** این جمله نهایت درجه ضعف آنها را می رساند، ضعف آن ها به حدی که از ضعیف ترین حیوانات در نظر مردم ضعیف تر هستند.

^۱ سوره محمد آیه ۳۸

^۲ حج آیه ۷۴ - خداست که تدبیرکننده جهان هستی است و تنها او شایسته پرستش است، ولی مشرکان خدا را آن گونه که درخور منزلت اوست ارج ننهاده اند و به غیر او روی آوردند. بی گمان، خدا نیرومند و شکست ناپذیر است.

^۳ حج آیه ۷۳

۱۱. آری تاریخی جدید در صحنه زندگی بشری طلوع کرده و خداوند اراده نموده با اجتماع میلیونی اربعین قدرت دین نهایی خود را به نمایش بگذارد « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ »^۱

اربعین شروع حج حسینی

۱. سیرو نهایت کمال انسان جز در سختی تقابل با کفر نمایش پیدا نمی کند. آنان که ابراهیم علیه السلام وار در مقابل با طاغوت عزم نظام و تمدنی نوآرانی و الهی دارند، عالی ترین نتایج را در حال و آینده تاریخ خود رغم می زنند. و خدا وعده محقق کردن درخواست و آرزوی آنان را به عهده می گیرد.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها فرمودند من دعای ابراهیم علیه السلام هستم. آرزو و دعای ابراهیم علیه السلام نسبت به ذریه اش این بود: رَبَّنَا لِیُقِیْمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ^۱ بسیاری از مترجمان و مفسران عبارت «تهوی الیهم» را به میل و اشتیاق به ذریه ابراهیم علیه السلام ترجمه کرده اند ولی معنای صحیح این عبارت «اوج گرفتن و عروج کردن» باشد. یعنی عروج معنوی و ارتباط شیعیان به آن بزرگواران. آری اربعین نمایش دلدادگی مردم و عروج تاریخی به حسینی است که دعای موحدی است که تمام زندگی خود را وقف تمدن توحیدی انسانها نمود، تا آنانکه عزم حضور اربعینی دارند، بدانند دعا و طلب شان تا کجا موثر است. آری حضرت علی علیه السلام نسبت به زائر امام حسین علیه السلام می فرماید: «أَنَا ضَامِنٌ لِقَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ وَدَفْعَةِ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۲ به زائران می فرماید: من ضامنم که حوائج شما را بر آورده نموده و بلاء را در دنیا و آخرت از شما دفع کنم.

۳. حضرت صادق علیه السلام می فرماید وقتی زائر امام حسین علیه السلام پیاده به زیارت حضرت می رود إِنَّ كَانَ مَا شِئَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَمَعَى عَنْهُ سَيِّئَةٌ، قبل از رسیدن به کربلا با پاک شدن از گناهانش و افزون شدن حسناتش، در مقام اُنس با خدا قرار می گیرد و چون به حائر و حواشی قبر مبارک حضرت رسید حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ الْمُتَّجِبِينَ، به مقام مصلحین برگزیده می رسد که دغدغهی اصلاح جوامع بشری را دارند و چون زیارت او به اتمام رسید، حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ به مقام فائزین و پیروزمندان صحنه‌ی

^۱ سوره ابراهیم آیه ۳۵

^۲ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۴، ص ۴۸۵

تمدن‌سازی نایل می‌شود و حرکات او حتماً به نتیجه‌ی لازم خود می‌رسد.^۱ توجه کنید امام صادق علیه السلام برای زیارت امام حسین علیه السلام کلمه مناسبی که برای حج استفاده می‌شود را به کار بردند تا بستر تفکر را نسبت به زیارت امام حسین علیه السلام باز نمایند.

۴. امام باقر علیه السلام فرمود: « لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ قُلْتُ وَمَا فِيهِ قَالَ مَنْ زَارَهُ شَوْقًا إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَأَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَأَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأَجْرَ أَلْفِ صَائِمٍ وَثَوَابَ أَلْفِ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ وَثَوَابَ أَلْفِ نَسَمَةٍ أُرِيدَ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ وَلَمْ يَزَلْ مَحْفُوظًا الْحَدِيثَ وَفِيهِ ثَوَابٌ جَزِيلٌ وَفِي آخِرِهِ أَنَّهُ يُنَادِي مُنَادٍ هُوَ لِأَيِّ زُورِ الْحُسَيْنِ شَوْقًا إِلَيْهِ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا تَمَنَّى يَوْمئِذٍ أَنَّهُ كَانَ مِنْ زُورِ الْحُسَيْنِ علیه السلام »^۲ اگر مردم می‌دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام چه فضل و ثوابی است حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می‌کردند و به خاطر حسرت‌ها نفس‌هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد. راوی می‌گوید: عرض کردم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی می‌باشد؟ حضرت فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می‌نویسد و اجر و ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می‌شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده... و در روز قیامت نوری به وی اعطاء می‌شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می‌گردد و منادی نداء می‌کند: این کسی است که از روی شوق و ذوق حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و پس از این نداء احدی در قیامت باقی نمی‌ماند مگر آنکه تمناً و آرزو می‌کند که کاش از زور آن حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌بود

۵. اربعین ظهور شجره طیبه ای است که خداوند زمان میوه دادنش را برای تاریخ ما اذن داده است. آنان که دغدغه خروج از پوچی زمانه را دارند، خوب می‌دانند برای ثبات قدم خود در

^۱ اربعین حسینی امکان حضور در تاریخی دیگر - استاد طاهرزاده

^۲ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۴، ص ۴۵۳

حیات دنیایی و آخرتی و تقابل نهایی با شجره خبیثه کثرت زدگی که انحطاط و سقوط خود را پشت ظاهر دل فریبش پنهان کرده، نیاز به رجوع به ثابتهای عصر است.^۱

۶. نور توحیدی هدیه ای است در ظلمات کثرت زدگی، که خداوند قلب هر کس را شایسته آن نمی داند. تنها عده ای که نظر به پیامبر توحیدی یعنی ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام می اندازند، ظرفیت شکستن بت های کثرت زدگی را دارند. حج سنتی است تا هر ساله کثرت ها در قالب رنگ ها و نژادها و.. یکی شوند و با نظر به ابراهیمی که خود به تنهایی امت واحده است؛ امت واحده اسلامی را تشکیل دهند. آری اربعین نظر به امت واحده است که، همانند حج نمایش و ظهور اسم «الله» ای است که جمالش برای مومنین و جلالش برای کافران متجلی می شود. در حریم حج حسینی حرمت حاجی عظیم و کرامتش واجب و برای کافران ابهتش باعث رعب و وحشت است. در اربعین همانند حج تمام منسب ها و رنگ ها و نژادها و... همه یک عنوان پیدا می کند و آن هم «زائر»، آن هم در سرزمین امن الهی یعنی «کربلا» **اتَّخَذَ اللَّهُ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ حَرَمًا آمِنًا مُبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ أَرْضَ الْكَعْبَةِ**^۲

۷. اربعین شروع حجی است نه با لباس سفید بلکه حجی با لباس سیاه تا داغ همه بشریت در جدایی از عالم قدس را متذکر شود و ندا سر دهد که: راه قدس از کربلا می گذرد. لباس مشکی قصه همه غصه های دوری و حرمان از حقیقت خودمان و محرومیت از کمالاتی است که خداوند ذیل حاکمیت امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام برایمان خواسته بود، و ما به آن پشت کردیم. لباس مشکی لباس توبه بشریت است. و اربعین ادامه می یابد تا همه انسان ها داغ جدایی خود از عالم قدس را به نور امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بیابد، و به فرزند حسین عَلَيْهِ السَّلَام یعنی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام متصل شوند.

۸. حج حسینی در اربعین، توحیدش چنان ظهور پیدا کرده، و از باطن به ظهور رسیده که زائرش تجلی حق گشته و پا قدمش گوسفند ذبح می شود. اربعین هم «سعی» دارد و آن هم «سعی» قدم

^۱ سوره ابراهیم آیات ۲۴ تا ۲۶ - «الم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء. تؤتي اكلها كل حين باذن ربها... يُبَيِّنُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ. كتاب امام خمینی و خودآگاهی تاریخی فصل ثابت عصر اثر استاد طاهرزاده مراجعه کنید.

^۲ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اتَّخَذَ اللَّهُ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ حَرَمًا آمِنًا مُبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ أَرْضَ الْكَعْبَةِ وَيَتَّخِذَهَا حَرَمًا بَارِعَةً وَعِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ وَقَدَّسَهَا وَبَارَكَ عَلَيْهَا فَمَا زَالَتْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مُقَدَّسَةً مُبَارَكَةً وَكَأَنَّ تَزَالَ كَذَلِكَ. امام سجاد علیه السلام فرمود: خداوند قبل از این که كعبه را خلق کند؛ كربلا را حرم امن خود گردانید و آن را از ۲۴ هزار قبل، حرم خود قرار داد و آن زمین را مقدس نمود و برکت داد و قبل از آن خلق ننموده بود مقدسی و مبارکی مانند آن زمین

به قدم با نظر به کاروان اسرائی که منزل به منزل بر آنان مصیبت از غفلت بشری آمده. «سعی» می کند هر چه سریعتر خود را از «مروه» مروت حسینی که درخادمان اربعین به نمایش آمده به «صفای» عالم هستی وجود نازنین امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام برساند. آری در زیارت عاشورا نظر به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام داری و در دعای ندبه نظر به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام. هرچند فاصله حرم امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و حرم حضرت عباس عَلَيْهِ السَّلَام به اندازه فاصله صفا و مروه در مکه است.

۹. آری در حج حسینی همه ابراهیم وار از ماه ها قبل بلکه از امسال برای سال دیگر، فضا را آماده زائران می کنند، آن هم نه در کربلا بلکه به وسعت همه حرم ها معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام تا شامل آیه « وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرَّكْعِ السُّجُودِ »^۱ شوند

۱۰. وهابیت به خیال خام خودش فکر کرد، اگر ما را از اجتماع عظیم حج بیرون کند، نقش تاریخی ما گم می شود؛ اما غافل از اینکه حجی جدید با نورانیتی حیرت انگیز نصیب مسلمین شده و نهایت و کمال حج ابراهیمی در اربعین به نمایش در آمده است آری « و اتم الحج بقاء الامام» حج با لقاء امام تمام می شود.^۲ و چه عجیب است جمله امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که فرمودند: وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي حَدَّثْتُكُمْ بِفَضْلِ زِيَارَتِهِ وَبِفَضْلِ قَبْرِهِ لَتَرَكْتُمُ الْحَجَّ رَأْسًا بِه خدا سوگند اگر فضیلت زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را برای شما بیان کنم یک نفر از شما به حج نخواهد رفت.

۱۱. آری خداوند ماوراء همه نقشه مکاران اربعین را به تاریخ مسلمانان بازگرداند تا بتوانند امت اسلامی را پایه گذاری کنند. حضرت امام (ره) می فرماید: «چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی تباکی، آنقدر ثواب داده است؟ کم کم مسئله از دید سیاسی اش معلوم می شود و ان شاء الله بعدها بیشتر معلوم می شود. اینکه برای عزاداری، برای مجالس عزاء، برای نوحه خوانی، برای اینها، اینهمه ثواب داده شده است، علاوه بر آن امور عبادیش و روحانیش، یک مسئله مهم سیاسی در کار بوده است... بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه اش را

کشیده‌اند که تا آخر باشد و آن، این [که] اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و هیچ چیز نمی‌تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد، تأثیر بکند.»^۱

۱۲. از همین الان می‌توان رعب فراگیر تمدن پوچ زده غرب را در حرکت و اجتماع حسینیان در اربعین حسینی مافوق جوّ رسانه‌ها، سلاح‌ها، و ثروت‌ها و.. مشاهده کرد. «وقذف فی قلوبهم الرعب»^۲ کافران به مومنان می‌گویند: لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا تاریخی برایتان ساخته ایم که دو کار بیشتر ندارید یا به گوشه بخزید و کار به اداره جهان نداشته باشید و یا عالمتان را با برنامه‌های ما بسازید؛ اما اربعین پیام و سروش الهی است، که عصر انسان غفلت زده از غیب فرا رسیده است و نباء و نویدی است که «فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ». آری زمان زمان توست تا در این بحبوحه‌ی تاریخی طلب فتح کنی «وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» پس طلب فتح نمودند و خداوند همه جباران را نابود کرد. خوب به اربعین خیره شو و که اربعین پیامی دلگرم کننده دارد.

۱۳. کافی است رسالت خود با نظر به اربعین در این تاریخ‌شناسی تا دیگر از هیچ کس و هیچ چیز جز خدا ترس در دل راه ندهی و بدانی «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»^۳ کسانی که رسالتهای خدا را ابلاغ می‌کنند و از او خشیت دارند و از هیچ کس جز او نمی‌ترسند، خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند. آری تنها خداست که می‌تواند ما را از این همه شرک، نفاق و تزویر تمدن دل‌فریب غرب بیرون کشد.

۱۴. بنی‌امیه دیروز و غرب امروز زلزله‌هایی برای پرورش انسانهای است که، افق نگاه خود را وعده‌های حتمی حق می‌دانند. هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا^۴ آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند! اربعین سنت انسان‌هایی است که ماوراء اختناق زمانه، ترس و وحشت از سلاح‌های عظیم‌کشتار جمعی به سنت جابر که از صحابه اهل سر‌اهل‌البیت است اقتداء نموده تا در هنگامه نبرد و رویارویی با همه کفار، آنچنان ایمان و تسلیمی پیدا می‌

^۱ صحیفه نور ج ۱۶ ص ۳۴۴

^۲ سوره احزاب آیه ۳۶

^۳ همان آیه ۳۹

^۴ همان آیه ۱۱

کنند که ندا سر می دهند: وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» آری اربعین سنت کسانى است كه: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»^۱

اربعین همت وعزم اصلاح تاریخ خود

۱. رسالت و بار مسئولیت الهی به دوش انسانهایی قرار می گیرد که همت و عزمی بالاتر از روح زمانه خود را داشته باشد. آری حضرت آدم علیه السلام چون عهد خود را فراموش نمود، خداوند در شأن او می فرماید: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا»^۱ او به تحقیق ماپیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم ولی او فراموش کرد و ما در او عزم و پایداری ندیدیم. پس بدان قدر و منزلت هر کسی به همت و عزم اوست. قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَىٰ قَدْرِ هِمَّتِهِ^۲ یا داریم: «مَا رَفَعَ أَمْرَهُ كِهِمَّتِهِ»^۳ هیچ چیز انسان را به مانند همت او بلندمقام نمی کند.

همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده اند

۲. آنانکه عزم خروج از بن بست تاریخی را دارند، می دانند دنیای کثرت زده و شجره منهیة چگونه باعث هبوط انسان می شود. آری باری بس بزرگ و عظیمی بردوش انسان می آید که این بار را جز با نظر به مصلح دین یعنی امام حسین علیه السلام نمی توان برداشت. «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا» من نه برای تفریح و نه خوش گذرانی و نه ستمگرانه و نه مفسدانه این حرکت را راه نینداخته‌ام، بلکه این قیام تنهای تنها به این خاطر است که: «وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي»^۴ خواسته‌ام راه اصلاح را در امت جدم پیگیری کنم و از هی «طلب» گویای پیگیری و دنبال کردن است تا زمانی که کار به سرانجام رسد.

۳. کربلا مخصوص حسین علیه السلام و یاران اوست تا به تاریخ راه خروج از بن بست ها را متذکر شود و اربعین سنت آنانی است که در نظر به عاشورا نظر به عهد خود می بندند و به جمع مصلحین

^۱ سوره طه آیه ۱۱۵

^۲ حکمت ۴۷ نهج البلاغه

^۳ غررالحکم، ح ۱۰۲۷۱

^۴ مقتل الحسین، ص ۱۵۶

می پیوندند که حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: **حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ**
الْمُنْتَجِبِينَ^۱

باز آی ساقیا که هواخواه خدمتم
هر چند غرق بحر گناهم ز صد جهت
مشتاق بندگی و دعاگوی دولتم
تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمت
این موهبت رسید ز میراث فطرت
در عشق دیدن تو هواخواه غربتم
من کز وطن سفر نگزیدم به عمر خویش
دریا و کوه در ره و من خسته و ضعیف
دورم به صورت از در دولتسرای تو
حافظ به پیش چشم تو خواهد سپرد جان
در این خیالم ار بدهد عمر مهلتم
لیکن به جان و دل ز مقیمان حضرت
ای خضر پی خجسته مدد کن به همتم
۴. سالک در مسیر رسیدن به زندگی توحیدی خود نمی تواند رنگ کثرت ها را بپذیرد. و مداوم
منتظر است خدا به نور اسم هادی خود در تاریخ طلوع کند. سالک در مسیر بندگی خود مانند
سفر موسی علیه السلام و یوشع بن نون علیه السلام که به دنبال خضر نبی علیه السلام می گردند می داند آنچه را منتظرش
بوده نشانه ای دارد و هنگامی که یوشع از حرکت عجیب ماهی می گوید حضرت موسی علیه السلام
می فرماید: « قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَأَرْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا »^۲ آنجا بود که گمشده خود را
یافت: « فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا ».
۵. یعقوب علیه السلام که می داند انتظار او بی نتیجه نیست با نشانه گمشده خود بینا می شود « فَلَمَّا أَنْ
جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ »^۳ اربعین
همان نشانه ای در تاریخ ماست که چشم را راهی می گشاید که بصیرت عالم را با خود می آورد.
و سالک ندا می دهد نگفتم انتظار بی نتیجه نیست

۶. اربعین بصیرتی است که مردم از مسیری که رفته اند مانند برادران یوسف توبه می کنند و ندا
سر می دهند « قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ » آری استغفار وقتی محقق می شود
که راه به غلط رفته اصلاح شود و مهدی علیه السلام به امت اسلامی بازگردد به همین دلیل یعقوب علیه السلام

^۱ کامل الزیارات، ص ۱۳۴.

^۲ سوره کهف آیه ۶۷

^۳ سوره یوسف آیه ۹۶

فرمود: « قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ » به زودی از درگاه خدا برای شما آمرزش می‌طلبم که او بسیار آمرزنده و مهربان است. آری: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلِّسَائِلِينَ»

۷. اگر از اجتماع عظیم مردمی در اربعین واقف شوی از همین الان می‌توانی سوره روم را دوباره با اربعین بخوانی و فاتحه غرب را زیر لب زمزمه کنی: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الم * غُلِبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

۸. چه زمینی از کربلا به تو نزدیکتر. در نظر به کربلاست که غلبه نهایی محقق می‌شود *فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ* آری زمان آن گشایش تاریخی فرا رسیده بیشتر از آنکه فکر کنی با اربعین راه به ما نزدیک شده. به زودی نشاط دیندارانی را خواهی دید که می‌دانند: *إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ*؛ تا سلطنت تمدن غرب برداشته نشود نمی‌توان از زمان شهوت زدگی و کثرت زدگی آزاد شد.

۹. *بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ* آری طرحی مافوق طرح های بشری برای برون رفت از نیاز است و آن فقط به نصرت حق محقق شدنی است. برنامه ها و نصرت حق شکست ناپذیر است و از طرف دیگر بستر ولایت مومنان را فراهم خواهد نمود.

۱۰. *وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ*. آری این وعده خدا بود که در سختی تقابل با فرهنگ غرب گشایش تاریخی با اربعین ایجاد می‌شود.

۱۱. *يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ* آنان که همه زندگی را در وسعت ظاهری آن می‌بینند، مطمئناً با هیبت دنیایی و قدرت قدرت طلبان، شیفته آن می‌شوند و چه بسا طلب مداوم آنها رسیدن به آن زندگی باشد همانطور که خداوند نگاه مردم دنیا زده را به قارون اینگونه معرفی می‌کند: « *فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ* »^۲ انسان‌هایی که ظاهر کاخ‌ها خیره‌شان نکرده است و به درون معنوی خود خیره شده‌اند و راه رجوع به عالم غیب و معنویت برایشان باز شده، چگونه می‌توانند

^۱ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۵۸

^۲ سوره قصص آیه ۷۹- پس [قارون] با کوبه خود بر قومش نمایان شد کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می‌شد واقعا او بهره بزرگی [از ثروت] دارد

به امام معصوم علیه السلام که مظهر حقایق است نظر ندوزند و تبلیغات دنیاگرایان، دل آن‌ها را از جایگاه اصیل خود بر کند؟

۱۲. علامه طباطبایی می‌فرماید: غرض سوره وعده دادن قطعی خدا به یاری دین است، و اگر قبل از بیان این غرض، مساله وعده غلبه روم را در چند سال بعد ذکر کرد، برای این است که مؤمنین وقتی دیدند که وعده غلبه روم عملی شد، یقین کنند که وعده دیگر خدا نیز عملی خواهد شد، و نیز یقین کنند که وعده آمدن قیامت هم، مانند سایر وعده‌هایش عملی میشود، آری عقل هر عاقلی حکم می‌کند که وقتی خدای تعالی دو تا از وعده‌هایش را عملی کرد سایر وعده‌هایش نیز عملی می‌شود، و باید از خطرهایی که وعده آن را می‌دهد بر حذر بود.^۱

۱۳. اری آن کس که جایگاه تاریخی خود را بشناسد می‌فهمد عزم دیگری باید کرد.

ای که در کوی خرابات مقامی داری	جم وقت خودی آر دست به جامی داری
ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز	فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری
ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند	گر از آن یار سفر کرده پیامی داری
خال سرسبز تو خوش دانه عیشیست ولی	بر کنار چمنش وه که چه دامی داری
بوی جان از لب خندان قدح می‌شوم	بشنو ای خواجه اگر زان که مشامی داری
تو به هنگام وفا گرچه ثباتیت نبود	می‌کنم شکر که بر جور دوامی داری
نام نیک ار طلبد از تو غریبی چه شود	تویی امروز در این شهر که نامی داری
بس دعای سحر ت مونس جان خواهد بود	تو که چون حافظ شبخیز غلامی داری

اربعین حسینی با نظر به حافظ

هزار دشمنم ار می کنند قصد هلاک

گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

آنکس که بفهمد در چه تاریخی زندگی می کند و بداند حيله مکر و نهار و شیطان چه دامی را از چهار سو برای ندیدن حق ، ریخته ، می داند که هیچ راهی برای برون رفت جز پناه بردن به وحی ندارد. وحی یعنی برنامه همه جانبه ای که نقشه همه نقشه کشان را می داند و قدرت و حکمت تماما در آن جمع گردیده است. آری هرکسی بن بست تاریخی را بیابد به مرغی درون قفس می ماند که قفس را حقیقت خود نمی داند ولی مرتب مترصد است راه نجاتی برایش باز شود. تنها دلسوزان بشریت که عالمان سر و وحی الهی هستند مافوق تمام نقشه ها راه را برای نجات بشریت می گشایند. آری حسین علیه السلام و اشک او معجزه تاریخی می شود که می تواند راه دیگری در برابر همه رسانه ها و دعوت سفیانی ها، راه رجوع به حق را در مقابل چشمان منتظران بگشاید. آری باید گفت : گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

مرا امید وصال تو زنده می دارد

و گر نه هر دم از هجر توست بیم هلاک

حب الوطن من الایمان دوست داشتن وطن نشانه ایمان است. وطن حقیقی انسان کجاست و گرنه شهرها و کشورها و دوست داشتن آن از اعتباریات و انس مداوم است. گفت ما ز بالایم و بالا می رویم ما ز دریایم و دریا می رویم. ما از اینجا و از آنجا نیستیم ما زه بی جاییم و به بی جا می رویم. امید وصال به کسی که، وصل به حق است و بوی وطن حقیقی انسان را می دهد تنها امید حیات عاشق رسیدن به معشوق است و می داند هرچه غیر از او در صحنه باشد وهم و خیال و پوچی است. «کل شی هالک الا وجهه». هلاکت دیدن غیر است و اگر عاشق می تواند هجر را تحمل کند فقط امید وصال است.

نفس نفس اگر از باد نشنوم بویش

زمان زمان چو گل از غم کنم گریبان چاک

این بیت شرح حال خودش است که می گوید اگر مداوم به راه نجاتم توجه نکنم اکنون زدگی و روزمره گی زندگیم را سیاه می شود. ولی با غم تو در هر زمان به دنبال گشایشم میگردم. مگر نه اینکه انتظار الفرج من الفرج. عاشق تجلی کامل حق، که آرزوی همه عارفان و سالکان است، می داند اگر در هر زمان توجه به او در دل نباشد پوسیده و ریش می شود. غم مقدس غم فراق و امید وصال است و گرنه هر غم غیر عشق او بیچارگی و غم جانکاه جدایی از حقیقت است که جز پوچی نیست. غم تمدن غرب از سبک و افق زندگی خود غم جانکاهی است که تا توجه به معشوق نیندازد هر روز بیشتر از قبل او را هلاک خواهد نمود. اما غم عشق، غمی است که مداوم باید با آن سینه را چاک زد. آری غم عشق حسین علیه السلام است که هر زمان تازه تر می شود و نوری جدید برای قلب باز می کند.

رود به خواب دو چشم از خیال تو هیهات

بود صبور دل اندر فراق تو حاشاک

می گوید من چون این غم عالی و برین را یافته ام هرگز نمی گذارم صورت آن از جلوی دیدگانم محو شود. آری آنکس که صورت عاشقی خادمان اربعین با زائران امام حسین علیه السلام را می بیند و آرامشی که در این مسیر برای او ایجاد می گردد؛ حاضر نمی شود، ذره ای دل خود را از آن بردارد و بی صبرانه انتظار می کشد زمان وصل دوباره فراهم شود. لذا می گوید انتظار صبر طولانی از من نداشته باش که در فراق تو بتوانم تاب بیاورم. اگر بستر وصل فراهم نشود در این شوق میمیرم.

اگر تو زخم زنی به که دیگری مرهم

و گر تو زهر دهی به که دیگری تریاک

حتماً راه عشق ورزیدن به اولیاء سختی و تعب خاص خودش را دارد. شلوغی اربعین و خستگی پیاده روی برای من از هزار راحتی در زندگی دنیا مداران بهتر است. آری درره منزل لیلی که خطرناک در آن _ شرط اول قدم آن است که مجنون باشی. اگر در این مسیر پایی طاول زند یا جگر گوشه ای را گم کنم برای من بهتر از مُسکن های مجازی است که دردم را دوا نمی کند بلکه بر دردم سرپوش میزند. گفت: درد دارم دوا نمی خواهم یا دردم از یار هست و درمان نیز هم.

بضرب سیفک قتلی حیاتنا ابداً
لأن روحی قد طاب ان یکون فداک

اگر تو با شمشیرت مرا بکشی حیات جاودانه من است زیرا که من مداوم می خواهم فدای تو بشوم . یعنی حسین جان هر کسی نجات یافت در نظر به تو بود و آرزویش فدایی تو شدن بود. آری : ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم _ ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما / هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق _ ثبت است بر جریده عالم دوام ما. آری سنت اربعین به ما یاد می دهد همیشه حق، حق است و شما باید به حق وفادار باشید حتی وقتی که تمام جامعه را جوّ یزیدی فرا می گیرد، حتی اگر بناست کشته شوی، باز هم به حق وفادار باش. وفاداری به حق است که تو را نجات می دهد.

تو را چنان که تویی هر نظر کجا بیند
به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک

آری شاه بیت حافظ در این غزل ضعف خود را در مقابل امام حسین علیه السلام بیان می کند و می گوید : من به اندازه وسعت ادراک خودم تو را شناختم که اینگونه فدایت می شوم و گرنه ما تاب و توان همه حقیقت تو را نخواهیم داشت . آری امام باقر علیه السلام می فرمایند: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقاً وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام چه فضل و ثوابی است حتما از شوق و ذوق قالب تهی می کردند و به خاطر حسرت ها نفس هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد.

به چشم خلق عزیز جهان شود حافظ
که بر در تو نهد روی مسکنت بر خاک

عشق به امام، عشق به عالترین وجه خود است. رسیدن به عزت حقیقی رسیدن به این مقام است. و از طرفی اگر لازمه رسیدن به این مقام خاک شدن در برابر معشوق است. آری زائران حسینی صورت حقیقی عشق به امام حسین علیه السلام را در عاشقی و خاک شدن نسبت به زائران او می دانند و این طلوعی دیگر از تاریخ بازگشت بشریت به امام خود است.

این عزل ها را با چشم اربعین بخوان و خودت آن را تفسیر کن:

غزل ۱۴۵

چه مستی است ندانم که رو به ما آورد *** که بود ساقی و این باده از کجا آورد
 تو نیز باده به چنگ آر و راه صحرا گیر *** که مرغ نغمه سرا ساز خوش نوا آورد
 دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن *** که باد صبح نسیم گره گشا آورد
 رسیدن گل و نسیرین به خیر و خوبی باد *** بنفشه شاد و کش آمد سمن صفا آورد
 صبا به خوش خبری هدهد سلیمان است *** که مژده طرب از گلشن سبا آورد
 علاج ضعف دل ما کرشمه ی ساقی است *** بر آر سر که طیب آمد و دوا آورد
 مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ *** چرا که وعده تو کردی و او به جا آورد
 به تنگ چشمی آن ترک لشکری نازم *** که حمله بر من درویش یک قبا آورد
 فلک غلامی حافظ کنون به طوع کند *** که التجا به در دولت شما آورد

غزل ۳۴۷

صنما با غم عشق تو چه تدبیر کنم *** تا به کی در غم تو ناله ی شبگیر کنم
 دل دیوانه از آن شد که نصیحت شنود *** مگرش هم ز سرزلف تو زنجیر کنم
 آنچه در مدّت هجر تو کشیدم هیئات *** در یکی ناله محال است که تحریر کنم
 با سر زلف تو مجموع پریشانی خود *** کو مجالی که سراسر همه تقریر کنم
 آن زمان کآرزوی دیدن جانم باشد *** در نظر نقش رخ خوب تو تصویر کنم
 گر بدانم که وصال تو بدین دست دهد *** دل و دین را همه در بازم و توفیر کنم
 دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی *** من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم
 نیست امید صلاحی ز فساد حافظ *** چون که تقدیر چنین است چه تدبیر کنم